

تعلیم و تربیت از اهداف انبیان‌بوت با رویکرد قرآنی

مرضیه نادری

مدرس عقاید و کلام اسلامی

مدرسه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

شهرستان هرسین

فهرست مطالب

عنوان
صفحه

.....	مقدمه
.....	
.....	
.....	1

هدف اصلی بعثت انبیا (علیه السلام).....

2.....

اهداف و فواید

نبوت.....

2..

تعلیم دستنیافتنی

ها.....

3.....

نیاز بشر به

راهنمایان.....

3....

از خود شروع

کن.....

4.....

به دیگران توصیه می کنید اما خودتان چرا؟.....

6.....

تو چراغ

فروزانی.....

6.....

دو اصل مهم

تربیتی.....

.....
7.....

تعلیم و تربیت.....
.....
.....

8.....

نخستین پیام نوح (علیه السلام).....
.....

10.....

هدف پیامبران تنها اصلاح بود.....
.....

10.....

نتیجه.....
.....
.....

12.....

منابع و مأخذ.....
.....
.....

13.....

چکیده

ما را برای پیمودن این راه آفریده باید چنین علم و دانشی در اختیار ما بگذارد، ما برای تربیت اخلاقی نیازمند به

مربی بشارت دادن به مؤمنان برای جذب نیروهای با ایمان، عدم سازش و تسلیم در مقابل کفر و در برابر منافقان بی‌اعتنایی به آزارهای آن‌ها و توکل بر خدا مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که راه وصول به مقصود در آن نهفته است و دستورالعمل جامعی برای همه رهروان راه حق است. انسان برای رسیدن به هدف اصلی آفرینش یعنی نمو و تکامل و پرورش انسان در تمام زمینه‌ها احتیاج به یک سلسله تعلیمات صحیح و خالی از اشتباه و متکی به واقعیات زندگی داری آسمانی به وسیله پیامبران حاصل می‌شود و به همین دلیل خداوندی که هستیم، نیاز به الگو و اسوه داریم که طبق اصل محاکات از گفتار و رفتار او سرمشق بگیریم، انسانی کامل و بی‌عیب یافته از هر نظر لازم است که در این راه پرفراز و نشیب دست ما را بگیرد و از طغیان غرایز ما جلوگیری کند، اصول فضائل اخلاقی را با عمل و سخنش در دل و جان ما نشانده، شجاعت و شهامت و انسان‌دوستی، گذشت و وفاداری، درستی، امانت و پاکدامنی را در روح ما پرورش دهد، چه کسی جز پیامبر معصوم می‌تواند به‌عنوان مربی و راهنما برگزیده شود به همین دلیل ممکن نیست خداوند مهربان ما را از وجود چنین رهبران و مربیان محروم سازد. د، تعلیماتی که بتواند در این راه طولانی برای رسیدن به مقصد اصلی به او کمک کند و این تنها از طریق علم خدا می‌باشد

کلیدواژه : نبوت، قرآن، تعلیم و تربیت، انبیا

مقدمه

مسئله تربیت انسان بیش‌از آن‌چه جنبه علمی دارد جنگ دارای جنبه عملی است مربی در صورتی در کار خود موفق می‌شود که

علاوه بر آموزش‌های لازم بتواند عملاً الگوی کاملی برای تعلیمات خود باشد و با صفات و اخلاق و اعمال خود تمام مسائل تربیتی را نشان دهد و این تنها در صورتی ممکن است که پیامبرانی از جنس بشر به صورت الگوها و اسوه‌هایی برگزیده شوند و صفات و برنامه‌های یک انسان کامل را در عمل نشان دهند تا انسان‌ها به آن تأسی جویند و قدم در جای قدم‌های آن‌ها دهند و این مسیر پرپیچ‌وخم را برای رهبری آن‌ها بپیمایند. به تعبیر دیگر در وجود انسان چیزی به نام روحیه محاکات موجود است یعنی مسائلی را که در همجنسان خود می‌بینند ناخودآگاه به سوی آن جلب و جذب می‌شوند، البته این احساس در سرحد یک انگیزه جبری نیست بلکه زمینه‌ای است برای یک حرکت ارادی همانند تشنگی برای انسان تشنه که او را مجبور به نوشیدن آب نمی‌کند ولی زمینه‌ساز است. هنگامی که پیامبران یا امامان معصوم (علیه السلام) از جنس بشر با دستورات جامع الهی به سوی او آیند و این دستورات را در عمل ارائه دهند و باتقوای راستی و درستی خویش فضائل انسانی را آشکار سازند دیگر انسان‌ها زمینه‌های مستعدی برای جلب و جذب این صفات پیدا می‌کنند. قرآن روی اسوه و سرمشق بودن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) یا سایر پیامبران تکیه می‌کند و به مردم توصیه می‌نماید که از برنامه‌های عملی آن‌ها سرمشق بگیرند. در یک جا او می‌گوید: "لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة" برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود¹ و در جای دیگر می‌فرماید: "قد کانت لکم أسوة حسنة فی إبراهیم و الذین معه" برای شما سرمشق نیکویی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودن وجود داشت². به هر حال مسئله تعلیم و تربیت از طریق سرمشق گرفتن از رهبران الهی چیزی است که هم تحلیل‌های منطقی آن را تأیید می‌کند و هم آیات قرآنی.

نبوة: رابطه بین خدا و بندگان برای برطرف کردن دشواری‌های دنیا و آخرت انسان‌ها و نبی خبردهنده از اموری است که آرامش‌بخش عقل‌ها و اندیشه‌های پاک می‌باشد، نبی بر وزن فاعیل به معنای فاعل در آیه "نبی عبادی" و یا اینکه به معنای مفعول "نبأنی العلم الخیر" آمده است

1. احزاب/21

2. ممتحنه/4

ذی‌المقدمه و اگر در دو آیه دیگر تزکیه پیش از تعلیم کتاب و حکمت ذکر شده تنها برای نشان دادن اهمیت آن است.

از این گذشته هر یک از این دو امر در دیگری اثر می‌گذارد یعنی تا مرحله‌ای از تزکیه نفس نباشد انسان به دنبال علم نمی‌رود و تا علم نباشد مراتب بالاتر تزکیه حاصل نمی‌شود بنابراین تعلیم و تزکیه در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و ممکن است تنوع آیات در این زمینه برای توجه دادن به این امر باشد.

البته نباید فراموش کرد که بعضی از علوم مانند علوم مربوط به معارف، معرفه الله و شبیه آن جنبه ذاتی و نفعی دارد یا به تعبیر دیگر مطلوب بالذات است، ولی علوم دیگر تنها جنبه مقدماتی دارد، لذا ممکن است تنوع آیات فوق اشاره به این نکته نیز باشد.

4. در این که کتاب و حکمت با هم تفاوت دارند بعضی معتقدند که کتاب اشاره به قرآن و حکمت اشاره به احادیث و سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، یا این که کتاب اشاره به مجموعه احکام و دستورات الهی است و حکمت اشاره به اسرار و فلسفه های آنهاست، زیرا همیشه آگاهی بر اسرار و فلسفه ها سبب می‌شود که انسان در اجرای احکام و دستورات مصمم تر باشد.

این احتمال نیز وجود دارد که ذکر این دو کتاب و حکمت با هم اشاره به دو سرچشمه معرفت و شناخت یعنی وحی و عقل بوده است.

آیه 151 سوره بقره اشاره به مسئله تعلیم و تربیت دارد که از طریق بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای مسلمانان حاصل شد، با این تفاوت که مخصوصاً انگشت روی علوم و دانش‌هایی می‌گذارد که آگاهی بر آنها بدون بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ممکن نبود می‌فرماید: همان گونه که رسولی در میان شما از خودتان فرستاده ایم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه و پاک سازد و کتاب بیاموزد و آنچه را امکان نداشت بدانید به شما تعلیم دهد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) علومی به انسان تعلیم نمود که آگاهی بر آن از غیر طریق وحی امکان پذیر نبود.

نخستین پیام نوح (علیه السلام)

در سوره‌ی نوح می‌خوانیم "إنا أرسلنا نوحًا إلى قومه أن أنذر قومك من قبل أن يأتهم عذابٌ أليمٌ" نخست از مسئله بعثت او شروع کرده می‌فرماید: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم قوم خود را انذار کن پیش از آن که عذاب دردناک به سراغشان آید. تکیه روی انذار و بیم دادن با اینکه پیامبران هم بیم دهنده بودند و هم بشارت‌دهنده به‌خاطر آن است که انذار غالباً تأثیر قوی‌تر دارد همان‌گونه که برای ضمانت اجرایی قوانین در تمام دنیا روی انذار و مجازات تکیه می‌شود. نوح این پیامبر اولوالعزم که صاحب نخستین شریعت و آیین الهی بود و دعوت جهانی داشت، بعد از دریافت این فرمان به سراغ قومش آمد و گفت: ای قوم! من بر شما بیم دهنده آشکاری هستم. هدف این است که خداوند یکتا را پرستش کنید و هر چه غیر از اوست به‌دور افکنید، تقوی پیشه نموده و از دستورات من که دستور خداست اطاعت کنید. درحقیقت نوح (علیه السلام) محتوای دعوت خود را در سه جمله خلاصه کرد: پرستش خدای یکتا، رعایت تقوا و اطاعت از قوانین و دستوراتی که او از سوی خدا آورده که مجموعه عقاید و اخلاق و احکام بود. سپس به تشویق آن‌ها ها پرداخته نتایج مهم اجابت این دعوت را در دو جمله کوتاه بیان می‌کند و می‌گوید: اگر دعوت مرا اجابت کنید خداوند گناهان شما را می‌آمرزد.

هدف پیامبران تنها اصلاح بود

شعار "ان أريد الا اصلاح ما استطعت" تنها شعار شعیب نبود، بلکه از شعارهای همه انبیا (علیهم السلام) و تمام رهبران راستین بوده است، گفتار و کردار آن‌ها نیز شاهی بر این هدف محسوب می‌شود. آن‌ها نه برای سرگرمی مردم آمده بودند و نه بخشش گناهان و نه فروختن بهشت به آنان و نه برای حمایت از زورمندان و تخدیر توده‌ها، بلکه هدفشان؛ اصلاح به معنی مطلق و به معنی وسیع کلمه بود، اصلاح در تفکر و اندیشه، اصلاح در اخلاق، اصلاح در نظامات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جامعه اصلاح در همه ابعاد اجتماع.

و در تحقق این هدف تکیه‌گاه شان تنها خدا بود و از هیچ توطئه و تهدیدی هراس نداشتند، چنان‌که شعیب گفت "و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و الیه انبیاء".

شبهه:

می‌دانیم خداوند حکیم است و دستور غیر حکیمانه صادر نمی‌کند درحالی‌که پیامبرانی که مدعی شرایع اند دستوراتی آوردند که با حکم عقل سازگار نیست مثلاً احرام و سعی صفا و

مروه و سنگ زدن به ستون‌های مخصوص (یعنی رمی جمرات) و مانند آنچه فایده‌ای دارد؟

چرا آن‌ها بعضی از مواد غذایی انسان را حرام شمرده‌اند و بعضی از اشیایی که مضر است؟

پاسخ:

کدام دستور غیرمنطقی در برابر برنامه پیامبران راستین است؟ آیا مراسم حج سعی و صفا و مروه و رمی جمرات و احرام برخلاف عقل است؟ درحالی‌که با مختصر دقتی در فلسفه این اعمال می‌توان فهمید که چه برنامه حکیمانه‌ای است و به‌راستی انسان را تربیت می‌کند، به‌هنگام احرام از پوسته عالم ماده بیرون می‌آیم همه‌ی امتیازات قومی و نژادی و طبقاتی رو دور می‌ریزیم و همه یک‌رنگ می‌شویم، تمام خواسته‌های دل را موقتاً کنار می‌گذاریم و در دنیایی سرشار از معنویت به شناخت خویش و خالق خویش می‌پردازیم، جمرات سه‌گانه سمبل‌هایی شیطانند با هفت سنگ پی‌درپی او را رمی می‌کنیم، و به این ترتیب اعلام بیزاری از اعمال شیطانی و افکار شیطانی می‌نماییم، در سعی صفا و مروه به یاد سعی و تلاش هاجر آن زن پاک و باایمان برای نجات جان نوزادش اسماعیل می‌افتیم و فاصله صفا و مروه را چند بار طی می‌کنیم.

خلاصه اعمالی که هرکدام سمبلی برای یک برنامه حساب‌شده تربیتی است انجام می‌دهیم و در پایان احساس می‌کنیم شخصیت نو و شناخت تازه‌ای درباره خدا و خویش پیدا کرده‌ایم، همان احساسی که برای هر انسان آگاهی بعد از مراسم حج پیدا می‌شود.

اگر انبیا و بعضی از غذاها مانند شراب و گوشت خوک را تحریم کرده‌اند به خاطر مفاسدی بوده‌است که در آن‌ها است و انسان‌ها از آن بی‌خبر بودند، و امروز تدریجاً از آن آگاه شدند، ما چیزی را نمی‌شناسیم که انبیا (علیهم السلام) حلال کرده باشند و باعث زیان و ضرر بر وجود انسان شود.

نتیجه

نبوت رایج‌ترین تعبیر اسلامی از پیامبری و پیامبر نبوت و نبی است در تبیین ریشه و معنای لغوی واژه نبی احتمالات متعددی وجود دارد بنابراین احتمال نبی از ریشه نبأ یعنی خبر گرفته شده و به معنای کسی که دارای خبر است و دیگری را اخبار می‌کند احتمال دوم آن است که ریشه نبی نبوت به معنای پندی و بلندی و ارتفاع باشد در این صورت نبی به معنای شخصی است که از شان و وا شنه‌ی شأنی والا و مقامی بلند برخوردار است براساس احتمال صعودمون نبی به معنای راه و طریق است و پیامبران را از آن جهت نبی می‌گویند که راه‌هایی هدایت بشری به سوی خداوندند.¹

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

2. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن الکریم، چاپ و انتشارات نوید اسلام، 1355.

¹. کلام اسلامی ج2، ص 12

3. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم وحی و نبوت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، 1381
4. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان.
5. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن نبوت در قرآن مجید، جلد 7، دارالکتب الاسلامیه، 1386
6. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر دارالکتب الاسلامیه، 1379
7. موسی بن طاووس، سید علی، ادب حضور، ترجمه فلاح المسائل، انتشارات انصاری، 589-664 (ه. ق)